خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۲)، بهار ۱۳۹۵
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.7, No.22, Spring 2016

بررسی نقش روسیه و انگلیس در تهاجمات ترکمانان به ایران (سده۱۹م)

مسعود مرادی[۱]
زهرا شبانی ثانی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۲
شماره صفحات: ۷۲-۶۳

چکیده

در دوران قاجاریه تاخت و تازهای ترکمانان به سرزمین‌های داخل ایران و غارت اموال و دارایی ساکنان خراسان و شرق خزر صورت می‌پذیرفت. در بسیاری از این تهاجمات زنان وکودکان به اسارت در می‌آمدند و در بازارهای برده فروشی بخارا، خیوه و مرو به عنوان برده فروخته می‌شدند. یکی از عوامل خارجی مؤثر در این مسئله، دست داشتن دو کشور روس و انگلیس در ایجاد زمینه های غارتگری مهاجمان در راستای اهداف استعماریشان بود. رقابت‌های این دو کشور بر سر آسیای مرکزی موجب بی ثباتی و ناامنی منطقه شده بود. روسیه در جهت سیاست‌های تهاجمی رو به جنوب و انگلیس در جهت سیاست‌های دفاعی از مستعمرات خود در هند، از وجود ترکمانان مرزنشین سود می‌بردند. با کمک این عناصر، روسیه پیروز این رقابت‌ها بود و توانست بخش‌های بزرگی از آسیای مرکزی را فتح کند. این پژوهش در صدد است با استفاده از منابع اصیل و با روش تحقیق تاریخی و با شیوه ای علی-معلولی به توصیف شرایطی که منجر به این بی‌ثباتی‌ها و تجاوزات با نقش موثر دو قدرت فوق الذکر شد، بپردازد.

کلید واژه‌ها: آسیای مرکزی، روسیه، انگلیس، ایران، ترکمانان.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Dr_mmoradi@yahoo.com
۲. دانش آموخته کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

در دورانی که رقابت‌های استعماری در جریان بود کشور روسیه به دلیل این که دوران توسعه قلمرو را طی می‌کرد و از آن جا که دیگر نمی‌توانست در اروپا به پیشرفت ادامه دهد، برای گسترش قلمرو از یک سو و تهدید مستعمره انگلیس یعنی هند از سوی دیگر در صدد فتح کشورهای آسیای مرکزی بر آمد. مهم‌ترین منطقه‌ای که می‌توانست روسیه را زودتر به اهداف خود برساند، خان‌نشین خیوه بود. از آن جا که لشکرکشی به این سرزمین دارای مشکلات فراوانی بود، روسیه تصمیم گرفت از طریق استراباد به این امر بپردازد. تنها راهی که به آسانی می‌توانست بر استراباد دست یازد استفاده از ترکمانانی بود که در این محدوده مستقر بودند.

انگلستان نیز نگران امنیت مستعمره هند بود. مقابله با گسترش نفوذ روسیه در مجاورت مرزهای ایران، استفاده از ترکمانانی بود که می توانستند هم برای ایران و هم برای رویسه مزاحمت ایجاد کنند. از همین رو انگلستان سعی کرد ترکمن ها را در اختیار گیرد. در این مقاله سعی خواهد شد نقش هر یک از دو کشور روسیه و انگلیس در تحریک ترکمانان به حمله به ایران به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

روسیه عامل مسلط در تحریک تراکمه

نقش روسیه در تحریک ترکمانان در حمله به ایران، در پیشروی‌های این کشور به سوی آسیای مرکزی خلاصه می‌شد. تلاش های روسیه برای دستیابی به آسیای مرکزی به قرن ۱۶ م و عصر ایوان مخوف (۱۵۸۴-۱۵۳۰) بر می‌گردد. او با وانمود کردن تساهل مذهبی برای نفوذ در میان مسلمانان این منطقه، هیئت های مختلف مذهبی را به آسیای مرکزی فرستاد (کولائی، ۱۳۷۶ : ۲۱). در دوره پطر کبیر(۱۷۲۵-۱۶۷۲)، روسیه که در اثر عقب‌ماندگی های حاصل از حکومت‌های خودکامه خویش و غلبه مغولان بر این سرزمین دچار انزوا شده بود، تصمیم به جبران عقب‌ماندگی‌ها گرفت. پطر مصمم بود تا علاوه بر رساندن روسیه از نظر اقتصادی و صنعتی به پای دیگر کشورهای اروپایی، از لحاظ نظامی نیز تبدیل به رقیبی برای دیگر قدرت‌ها شود. اما رسیدن به این اهداف به آسانی میسر نبود، زیرا خزانه این کشور به دلیل جنگ هم‌زمان با سوئد و ترکیه خالی شده بود. در این زمان گزارش‌هایی از آسیای مرکزی می‌رسید که حاکی از وجود ذخایر طلا در سواحل رود آمودریا بود. هم‌چنین مسافران روسی که به هند رفته بودند از ثروت افسانه‌ای آن کشور حکایت می‌کردند و پطر می‌دانست که انگلیسی ها مقدار کلانی از این ثروت را در اختیار گرفته‌اند. بنابراین روس‌ها برای دستیابی به طلای آسیای مرکزی و خزاین هند به فکر چاره افتادند (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۳۰). علاوه بر این، روسیه پس از شکست در جنگ کریمه به خوبی متوجه شد که نمی‌تواند دامنه متصرفات خود را در بالکان و اروپا توسعه دهد، بنابراین توجه خود را به تصرف آسیای مرکزی و پیشرفت به سوی جنوب معطوف نمود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵۵ : ۲۷۰) تصرف خیوه می‌توانست پایگاه مورد نیاز پطر را در حد فاصل مرزهای روسیه و هند ایجاد کند. علاوه بر آن زمین شناسان روسی می‌توانستند از این مرکز به جستجوی طلا بپردازند، این مکان می‌توانست منزلگاه کاروان‌های روسی که در حال بازگشت از هند بودند، باشد. انواع کالاهای تجملی از این مسیر برای بازارهای داخلی اروپا حمل می‌شد (هاپکرک، ۱۳۷۹ : ۳۱ ـ ۳۰).

ایجاد تاسیسات نظامی روس در آسیای مرکزی و تلاش برای یافتن منابع اقتصادی

در سال ۱۷۱۳ م / ۱۱۲۵ ق، کنیاز بکوبیچ چرکاسکی مأموریت یافت که در دهنه رود آمودریا، ضمن ساخت قلعه، خود به نزد خان خیوه برود و در جایی مناسب شهری بنا کند و یا آن که رود را به دریا بازگرداند تا در صورت یافت نشدن معدن طلا، راهی به تجارت هند گشوده شود که از معدن بهتر است. ولی ناسازگاری بزرگان سپاه و ناهنجاری خوارزمیان مانع این امر شد و کنیاز به دست اهل خیوه کشته شد و سر او را به بخارا برای خان فرستادند (ملگونف، ۱۳۶۴ : ۲۴۰ ـ ۲۳۹). پنج سال بعد در سال ۱۷۱۸ / ۱۱۳۰ ق، پطر، فلوریو بنیونی را به بخارا فرستاد تا ضمن فراهم کردن زمینه برای نفوذ روسیه در آسیای مرکزی، به کسب اطلاعاتی در مورد معادن طلای جیحون بپردازد اما او به حاجی طرخان گریخت (زرگری نژاد، ۱۳۸۶ : ۹۴).

در زمان پطر کبیر، شاهنیاز فرمانروای خیوه، از دولت روسیه تقاضای کمک کرد. اما او که خود درگیر جنگ بود، نتوانست پاسخی فوری دهد. ولی به فکر افتاد که از نزاع بین خانان بخارا و خیوه و اشراف ازبک بهره برده و آنان را تابع قدرت روس سازد. پطر در صدد بر آمد که با موافقت فرمانروایان بخارا و خیوه سپاهیان روس را در این دو خان نشین، مستقر نموده و هزینه آنان نیز به عهده این فرمانروایان گذاشته شود. هرچند که این اقدام روس‌ها باعث قدرتمند شدن خوانین بخارا و خیوه در برابر دشمنانشان می‌شد اما آنان را در تابعیت کامل روس قرار می‌داد. بنابراین پطر با توجه به اطلاعات جدیدی که درباره آسیای مرکزی به دست آورده بود، نقشه تسخیر آن سرزمین را شروع کرد (میرزا شمس بخارایی، ۱۳۷۷ : ۴۷). تجارت کشورهای آسیایی با اروپا از طریق دریای مدیترانه و عثمانی صورت می‌گرفت، ولی با اقدامات پطر، این مسیر را به دلیل منافع عظیمی که برای روسیه داشت،

به روسیه و دریای خزر منتقل می‌گردید. راه خزر ـ ولگا علاوه بر امنیت، مناسب‌تر و ارزان‌تر از راه های خلیج فارس و مدیترانه بود (عبد الله یف، ۱۳۳۶ : ۲۹). اما تا زمانی که پطر زنده بود این امر مهیا نشد.

خواب روس‌ها برای خیوه: تصرف آرام ترکستان

پس از یک قرن قطع ارتباط، روس‌ها که امیدوار برقراری اتحاد با خیوه شده بودند، در تابستان ۱۸۱۹م، نیکولای موراویف از جانب ژنرال یرمولف مأموریت دادند در لباس مبدل خود را به خیوه رسانده و پیام دوستی و هدایای یرمولف را به خان خیوه تقدیم کند. طعمه وی برای جلب خان خیوه، کالای تجملی اروپا و آخرین فن آوری‌های روسی بود (هاپکرک، ۱۳۷۹ : ۹۱). او و همراهش، پناماریف، در این سفر موظف بودند که از ساحل شرقی دریای خزر بازدید کرده و مکان مناسبی برای ساختن قلعه ای تجاری بیابند، سپس به خیوه رفته و به خان خیوه بقبولانند که از این به بعد از این راه به تجارت بپردازند. این دو نفر پس از بازدید از تمام سواحل شرقی دریای خزر، این دو نقطه را مناسب یافتند: ۱) در نزدیکی تل نقره در حوالی محلی که رود گرگان به دریای خزر می ریزد. ۲) در خلیج بالخان. تراکمه یموت که در آن حوالی سکنی داشتند علاوه بر این که مزاحمتی برای مأمورین روسی ایجاد نکردند از دولت روسیه نیز تقاضا کردند که آن ها را به رعیتی روس قبول کنند. موراویف به همراهی چند نفر از همین ترکمن ها بدون هیچ خطری تا خیوه رفتند ولی در آن جا بدلایل نامعلومی محبوس شدند. (اتا ماژور، ۱۳۸۳ : ۱۴۵) پناماریف دستور داشت که با ترکمن ها روابط دوستانه برقرار کند (سارای، ۱۳۷۸ : ص ۸۴ ـ ۸۵).

روس‌ها در صدد بودند با آزادی اتباع و بردگان اسیردر خیوه، به مجازات سارقان و برده فروشان اقدام کرده و جایگزین دست نشاندهٔ مطیع به جای حاکم خیوه پیدا کند (هاپکرک، ۱۳۷۹ : ۲۲۸). بهانه حمله به خیوه، شکستن انحصار تجاری بریتانیا با هند بود، زیرا با در دست گرفتن خیوه تمام معاملات تجاری آسیا و هند از طریق مسیر دریای خزر و ولگا که کوتاه‌تر و ارزان‌تر از مسیر قبلی بود، در اختیار روسها قرار می‌گرفت. به این ترتیب بریتانیا اقتدار خود را در آسیای میانه از دست می‌داد. کالاهای روسی بازار جدیدی در هند و آسیای مرکزی به دست می‌آوردند، بازاری که روسیه به آن نیاز مبرم داشت (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۱۰۱). توسعه و افزایش تولید به مواد اولیه و بازار فروش نیاز داشت و چون بازار اروپا به روی تولیدات روسی بسته بود، بنابراین روسیه برای فروش کالاهایش ناچار به سرزمین های پهناور آسیا روی می‌آورد (ولودارسکی، ۱۳۷۲: ۴۴ ـ ۴۳).

روسیه در فکر تسلط بر خیوه بود، اما به دلیل درگیری نظامی در لهستان، مدتی این طرح مسکوت گذاشته شد. روسیه حتی با وجود داشتن نیروی نظامی در صورت اقدام به این کار، با مشکلات بزرگی مواجه می‌شد زیرا در صحرای بی آب و علف قرقیز بین اورنبورگ و خیوه هیچ‌گونه تسهیلاتی برای انتقال یا عبور یک ارتش مهاجم وجود نداشت. راه منقشلاق نیز همان مشکلات را در برداشت، راهی که ترکمن‌های خیوه بیشتر خواهان بیرون کردن ارتش مهاجم بودند تا کمک به آن (کمبل، ج ۲، ۱۳۸۴ : ۱۰۶۲).

درخواست روس‌ها از ایران در حمله به خوارزم

از آن جایی که لشکرکشی روسیه به خوارزم از طریق دشت مشکل بود، از ایران کمک خواستند. یکی از درخواست‌های الکسندر بلوف، سفیر روسیه نزد فتحعلی‌شاه، این بود که چون دشت خوارزم متصل به خاک روسیه است و تجاری که در آن مسیر برای تجارت و معامله رفت و آمد دارند مورد تعرض خوارزمیان قرار گرفته و اموال آن ها به غارت می‌رود، بنابراین دولت ایران برای تحکیم روابط، ابتدا چند سال متوالی لشکری به دشت خوارزم بفرستد و والی آن جا را مستأصل سازد، پس از تکرار این عمل، دولت ایران جهت دوستی به دولت روسیه اجازه دهد که لشکری برای سرکوبی آن‌ها اعزام دارد و چون از راه دشت، لشکرکشی به خوارزم مشکل است، دولت ایران موافقت کند که این لشکرکشی از راه دریای خزر یا استراباد انجام شود (وقایع نگار، ۱۳۶۹: ۲۲۲). به این ترتیب می‌توان به انگیزه‌های اصلی روسیه از تصرف استراباد پی برد. کرزن در این مورد می‌نویسد: "اگر از بادکوبه به هند خطی کشیده شود خواهیم دید استراباد در مسیر این خط واقع می‌شود. به همین دلیل هنگامی که پل امپراتور روسیه (۱۸۰۱-۱۷۹۶) و ناپلئون (۱۸۲۱-۱۷۶۷) در سال ۱۸۰۰ در باب لشکرکشی از طریق خشکی به هندوستان مذاکره می‌کردند، این خط برای تهاجم تعیین شده بود" (کرزن، ج ۱. ۱۳۸۰ : ۲۵۸ ـ ۲۵۷).

روسیه استراباد را به خاطر موقعیت استراتژیکی‌اش بر سر راه تجاری بخارا و هند انتخاب کرد، سرزمینی که نظر کاترین دوم (۱۷۹۶-۱۷۲۹) را در نیم قرن پیش از پطر اول به سوی خود جلب

کرده بود. استراباد به ویژه از آن جهت مناسب بود که طبق اعتقاد والریان زویف تنها حدود یک هزار ورست (هر ورست یک کیلومتر و شش دهم متر است) آن کوهستانی می‌باشد. در آن هنگام وینویچ می‌بایست همکاری آقا محمد خان قاجار، والی استراباد و دیگر مدعی تاج و تخت را جلب می‌کرد (آوری، ج ۷، بخش ۲، ۱۳۸۸ : ۱۸۲). طبق نامه سفیر بریتانیا در ایران به همتایش در عثمانی، روسیه از چند ناحیه می‌توانست به تهدید مستعمرات بریتانیا در هند بپردازد. روسیه به تنهایی یا به کمک دیگر کشورها از راه خشکی فقط از دو مسیر می‌توانست علیه مستعمرات بریتانیا در هندوستان اقدام کند: از بنادر شرقی خزر به سمت کناره رود ایندوس و دیگری از ناحیه تاتارنشین اورنبورگ به بخارا (مالکوم، ۱۳۲۷ : ۱۶) هر کدام از این راه ها مشکلات خاص خود را داشت. برای ارسال لوازم و نیرو نیز از سه طریق می‌توانست اقدام کند: یکی از بندر استراباد در دریای خزر به مشهد و از آن جا به هرات، دوم از شمالی ترین بنادر دریای خزر به ارغند و سومی از بندر اورنبورگ به قندهار از راه بخارا. دو راه اول شناخته شده و همیشه مسیر کاروان‌ها بوده است ولی راه سوم کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفت، زیرا این سرزمین در دست طوایف تاتاری بود که حتی ازبک‌ها آن ها را وحشی می‌خواندند. در صورت انتخاب راه اول، می‌بایست استراباد را به دست گیرند که شهر اجدادی و قبیله ای سلاطین قاجار و محل تمرکز ثروت آن هابود. بنابراین نمی‌شد به کمک شاه ایران امیدوار بود مگر پس از نابودی کامل نیروی ایران و حتی در صورت انجام این کار، باید به مطیع کردن ایلات ترکمن و رؤسای مستقل خراسان که در سر راهشان بود، بپردازند و یا با آن ها بجنگند. استفاده از راه دیگر مشکلات بیشتری داشت (مالکوم، ۱۳۲۷ : ۱۹ـ ۱۸). تنها راهی که روس‌ها می‌توانستند به آسانی بر استراباد دست یابند، استفاده از ترکمانانی بود که در این محدوده زندگی می‌کردند. روسیه به دلیل واقع بودن در همسایگی ایران و دارا بودن طولانی ترین مرز می‌توانست هر زمان که اراده کند بدون اعلان جنگ و با تحریک برخی از ترکمن های مرزنشین ضرری کلی به ایران وارد سازد (طاهری، ج ۲، ۱۳۵۶ : ۵۱۵).

تلاش روسیه برای مرعوب کردن ترکمانان

ایجاد ناامنی و تهاجم به مناطق مختلف توسط عشایر و قبایل ترکمن در خراسان بزرگ، بهانه لازم برای دخالت روسیه در این مناطق را فراهم آورد و سرانجام موجب تصرف آن شد. تهاجم قبایل ترکمن به مناطق حاشیه مرز، منجر به دست اندازی روسها به سرحدات شمالی ایران گردید و حاکمیت ملی ایران را به خطر انداخت (مجتهد زاده. ۱۳۸۶: ۵۴). به این صورت آشفتگی دائمی، تحرکات قبایل بیابانگرد که تجارت و جاده ها را نا امن می‌کردند، نفوذ و دخالت روس‌ها را راحت کرد و بهانه مناسبی به دست آن‌ها داد (ترنزیو، ۱۳۵۹ : ۵۸). دولت روسیه با استفاده از قوای نظامی خود و ایجاد بلوا و تفرقه در میان ترکمانان و ازبکان و گاه تحبیب و تحریک آنان علیه دولت ایران، اندک اندک از شمال دریای خزر به سوی ماوراءالنهر و خوارزم پیشروی کرد (تکمیل همایون، ۱۳۷۱: ۴۳۵). سیاست‌های تجاوزطلبانه تزارها آشکارا اعمال می‌شد. در گزارش محرمانه وزیر مختار ایران در روسیه آمده است:

«محرمانه ـ خدایگانا ـ از قراری که این بنده از خیالات حضرات و روزنامه ها استنباط می‌کند سال آینده دور نیست از سمت استراباد و اترک قشون و استعدادی از این دولت تا خیوق روانه نمایند. ظاهرا شهرت خواهند داد که از این سمت راه تجارت با ترکستان نزدیک می‌شود و خان خیوق و سایرین هم راضی به این فقره هستند که تجارت آن ها هم رواجی در مملکت روسیه داشته باشد، دولت روس مجبور می شود که این راه را باز نماید لکن خدا می‌داند که نتیجه این کار به کجا منجر خواهد شد؟ ترکمانان آن صفحات را با زور و استمالت و پول دادن به مقام اطاعت خود آوردند لیکن طوایف یموت و گوکلان بعد از این که این ها به آن جاها نزدیک شدند و در اوایل جلب قلوب از ترکمانان اترک کردند، چگونه رفتار خواهد کرد؟ و چه نوع مالیات دولت را خواهند داد؟ این بنده نمی داند. هزار گونه هرزگی و تاخت و تاز را خواهند کرد. همین که از طرف دولت زور دیدند خود را به آن طرف اترک کشیده در ظل حمایت این ها خواهند شد. این ها هم محض از برای دلگرمی آن ها و حسن سلوک هزار قسم اشکالات به جلو خواهند انداخت...» (صفایی، بی‌تا : ۱۵۷)

تلگراف رمز ناصرالدین شاه به سیف الملک حکمران استراباد در تاریخ ۳ ربیع الاول ۱۳۰۸ ق، نشان از حساسیت فوق العاده حکومت مرکزی نسبت به مسائل شرق ایران است. شاه دستور داده بود:

"به بعضی جهات خیالات روس‌ها این اوقات جمع بر این است که ترکمان یموت را به هیجان آورده، اغتشاش عمده در استراباد برپا نمایند. سابق نوشتیم که خیلی با احتیاط حرکت کنید و در میان ترکمانان یموت و در سرحدات اترک و توی جعفربای‌ها حتی به خاک روسیه با لباس های مختلفه آدم های زیرک هوشیار و جواسیس زیاد بفرستید و از خیالات و وضع تحریک آن ها اطلاع حاصل کنید و در صدد چاره برآیید... قشون و تجهیزات کافی در استراباد داشته باشید از قراری که امروز در روزنامه تلگراف حاجی اسحاق خان سرتیپ سمنانی که از کلات زده بود، ملاحظه شد روس‌ها حاکمی که در قهقهه اشک کلات داشته‌اند

به عجله برده‌اند عشق آباد و این شخص گفته بوده که مرا برای این می برند که توی یموت ها بفرستند اگر صحت داشته باشد معلوم است برای تحریک آن‌ها می فرستند و همچنین نوشته بود که شخص هندی که مدتی در خراسان بود در خاک روس رفته است او را هم به عجله به عشق آباد برده اند، معلوم می‌شود که این شخص را می‌خواهند توی ترکمان یموت مثل ایشان‌های سابق برای تحریک ترکمان و جهاد به اسم ملایی و درویشی بفرستند. خلاصه در هر صورت این نوع بازی ها را درکارند در بیاورند. خیلی خیلی در کارهای سرحدی و ترکمان دقیق و بصیر باشید ابدا دقیقه ای غفلت نکنید ترکمان‌ها را خیلی استمالت بدهید و به آن ها بفهمانید که اگر ذره‌ای به تحریک دیگران بنای هرزگی بگذارند این دفعه طوری آن‌ها را تنبیه می‌کنیم که دیگر آثاری و دیاری از ترکمان باقی نماند." (صفایی، ۱۳۵۵: ۱۲۰ ـ ۱۱۹)

به رغم هوشیاری شاه نسبت به تحرکات روس‌ها، دولت لازم برای مقابله نداشت. تلاش روسیه برای نفوذ در بین قبایل ترکمان به اشکال مختلف ادامه داشت. ترکمانان نیز از ضعف دولت مرکزی استفاده کرده و به تحریک بیگانگان پاسخ مثبت دادند. آنها دائما به مناطق مرزی، دره گز، کلات، قوچان تجاوز می‌نمودند و اغنام و احشام و زنان و دختران و مرزنشینان را به غنیمت و اسارت می‌بردند (میرنیا، ۱۳۶۷: ۱۳۹).

جدا سازی ترکمانان از ایران

ترکمن‌ها می‌خواستند روسیه آنان را به صورت ملت مستقلی بشناسد و درباره حقوق آن ها با دولت ایران وارد بحث شود. داشتن متحدی قوی در جنگ با ایران، راه وصول به این هدف بود. (سیمونیچ، ۱۳۵۳: ۱۲۲ ـ ۱۲۱) روسیه برای پیشبرد اهداف خود ترکمانان را با فشنگ‌ها و تفنگ‌های روسی مجهز کرده بود. (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۰: ۲۶۲) در این مورد سندی از فروختن آلات حرب توسط رعایای روس به ترکمانان در دست است (مرادی؛ شبانی ثانی. ۱۳۹۲:).

تجارت بهانه مداخلات

دولت روسیه برای ایمنی تجارت دریایی خود از دستبرد ترکمن‌ها، در صدد بر آمد در طول ساحل دریا، از شمال شرقی تا گرگان با ترکمن‌ها ارتباط برقرار کند. به این منظور در سال ۱۸۳۶م، مامورانی به خلیج بالخان و سرحد ایران گسیل کرد و یموت‌ها را تشویق به همکاری نمودند. آنان در گزارش خود از آشوراده به عنوان بهترین منطقه با موقعیت سوق‌الجیشی و قابلیت تجاری نام بردند (سارلی، ۱۳۷۳: ۳۷ ـ ۳۶). طبق معاهده‌های تجاوزطلبانه گلستان و ترکمانچای، روسیه بر دریای خزر مسلط شده بود و نیز به دلیل ناتوانی دولت ایران از سرکوب ترکمانان منطقه گرگان، که بیشتر به تحریک خود روس‌ها بود، زمینه نفوذ خود در ناحیه جنوبی دریای خزر را بیشتر فراهم کرد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۴۸۲). روس‌ها که برای سرکوبی ترکمانان در آشوراده مستقر شده بودند، از همان آغاز سعی کردند در بین آنان به توسعه نفوذ خود بپردازند. آن ها برای پیشبرد اهداف خود به دنبال دستیارانی بودند. یکی از کسانی که به این منظور برگزیده شد، خدرخان ترکمن بود که روس‌ها می‌خواستند تجارت نمک و نفت استراباد را به او بسپارند. وی با گماشتگان خود به قتل و غارت مشغول بود. پشتیبان او چریانف کنسول روس در استراباد و دریابیگی روس در آشوراده بودند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۴۹۴).

روسیه اقدام به ایجاد کنسولگری و گماردن کنسول در بنادر و شهرهای مختلف نمود. در هر جا که گماردن نماینده رسمی به صلاح این دولت نبود، برای انجام مقصود خود نمایندگانی در لباس روحانی و معمولا هم از میان ارامنه متولد روسیه و یا افرادی که در کار تجارت بودند، استخدام می کرد. بدین ترتیب محدوده فعالیت‌های روسیه در سرتاسر خراسان گسترش یافت (کرزن، ج ۲، ۱۳۸۷ : ۷۰۳ ـ ۷۰۲). گزارش کلنل استوارت افسر گارد سلطنتی انگلستان که در سال ۱۸۸۱م/ ۱۳۰۷ ق، برای مطالعه راه های جلوگیری از تجاوز روس‌ها در مرزهای گرگان به ایران آمده بود و نزدیک به یک سال در آن منطقه به مطالعه پرداخت این مطلب را روشن می سازد:

«... از قرار ظاهر حال، مامورین روس در میان طوایف میانه گرگان و اترک مشغول کار می‌باشند، به این جانب اطلاع رسیده است که یک نفر مسلمان از خاک روسیه فرستاده‌اند و مشارالیه در میان طوایف جعفربای مسافرت می‌کند و اسم آن‌ها را می‌نویسد و سعی دارد به تمام رؤسای آن‌ها دوستی کند. سه نفر ارمنی از اهل بورمه در میان گوکلان ها در وقتی که من آن جا بودم، مشغول تجارت بودند. ولی محل شبهه بود که آیا تجارت آن ها به اندازه ای بود که قابل حضور آن‌ها در آن جا باشد یا نه؟ و عقیده خود من این است که فقط آن‌ها مأمورین روس بوده اند...» (صفایی، ۱۳۵۰: ۲۲).

در دوران محمدشاه (۱۸۰۸–۱۸۴۸) روس‌ها تصمیم گرفتند سرزمین هایی را که توسط قرقیزها و ترکمن ها و قراقالپاق ها

اشغال شده بود تصرف کنند. آنها به سواحل شرق و شمال شرق دریای خزر لشکر کشیدند و پس از تصرف این مناطق به فکر ایجاد تأسیسات و کارخانجات در استراباد افتادند تا از آن جا تجارت با ترکستان، خیوه، بخارا و بلخ و خوارزم را کنترل کنند (معطوفی، ۱۳۷۴: ۲۶۳). در سال ۱۸۰۳ روسیه به بهانه ایجاد راه بازرگانی اقدام به احداث مناطق تجاری در سه نقطه دریای خزر نمود و در این مناطق مساجدی بنا کرد (سارلی، ج ۱، ۱۳۷۳: ۳۲ ـ ۳۱).

سلب حاکمیت ایران و اشغال دائمی شرق خزر

روس‌ها با تحت‌الحمایه کردن قزاقستان در قرن ۱۸ نخستین گام را برای سلطه بر آسیای مرکزی برداشته بودند. یک قرن بعد در سال ۱۸۳۹ م، روسیه به خیوه اعلان جنگ داد اما پیروز نشد (اعتمادالسلطنه، ج ۳، ۱۳۶۷: ۱۶۵۲). آنها با پذیرش شکست موفق به تصرف خیوه نشدند. پس از شکست خیوه، در سال ۱۸۳۹ م، نخستین حمله موفق روسها به ماوراءالنهر، به خان‌نشین خوقند در ۱۸۶۵ اتفاق افتاد که موجب فتح تاشکند و الحاق این خان‌نشین به روسیه گردید. پس از آن در سال ۱۸۶۸ م، سمرقند و بخارا و در سال ۱۸۷۶ م، خان‌نشین خیوه تحت‌الحمایه روس‌ها شدند و استیلای این کشور بر ماوراءالنهر کامل گشت. در سال ۱۸۸۶ م، نام آن منطقه به ترکستان تغییر یافت و شهر تاشکند که از اهمیت کمتری نسبت به بخارا و سمرقند برخوردار بود، از سوی روس‌ها به مرکزیت منطقه انتخاب شد (شیخ عطار، ۱۳۷۳: ۱۸۷). در سال ۱۸۷۴ م، ژنرال لامکین با عده ای از سربازانش به شاهقدم در ۸ منزلی استراباد وارد شدند. او در آن جا طی بخشنامه‌ای به یموت‌های ترکمن اعلام کرد که از رودخانه گرگان تا خیوه به روسیه تعلق دارد. این بخشنامه که ژنرال در آن خود را فرمانروای همه ترکمن‌ها نامید، به منظور جلوگیری از مزاحمت ترکمن‌ها برای تجارت روسیه بود. این اقدام به منزله فرمانروایی روسیه بر ترکمن‌ها بود (مجتهد زاده، ۱۳۸۶: ۵۷). روس‌ها با در پیش‌گرفتن سیاست مسالمت‌آمیز با ترکمن‌ها در صدد جلب اعتماد آن‌ها برآمده تا راه سلطه خویش بر منطقه را هموار کنند. این سیاست برای روسیه نتایج سودمندی در برداشت و در بسیاری از موارد ترکمن‌ها نه تنها اطاعت و فرمانبرداری خود را نشان دادند، بلکه به نیروهای روسی در تجاوزات آنها کمک کردند (مجتهد زاده، ۱۳۸۶: ۵۸).

پس از جدا شدن هرات از ایران، تراکمه آخال و مرو به تاخت و تاز به نواحی خراسان پرداختند. از آن جا که دولت ایران نمی‌توانست به طور قطع جلو آن‌ها را بگیرد، بعد از عزل میرزاحسین‌خان سپهسالار، حاضر به مذاکره با روس‌ها شد تا شاید بتواند از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری کند (محمود، ج ۴، ۱۳۶۷: ۱۱۹۶). به این منظور در سال ۱۸۷۹ م، سربازان روسی برای سرکوب قبایل ترکمن تکه حرکت کردند، اما در گوک‌تپه شکست خوردند. با این وجود سرکوبی ادامه یافت. در سال ۱۸۸۰ م، روس‌ها احداث خط آهن استراتژیک از ساحل دریای خزر به مناطق داخلی را آغاز کردند. لشکر جدیدی تحت فرماندهی ژنرال اسکوبلف برای سرکوب قبایل ترکمن وارد عمل شد و در ۱۸۸۱ م، موفق به فتح گوک تپه شد (ریوکین، ۱۳۶۶: ۲۵). به این ترتیب امپراتوری تزارها، بخش عمده ترکمن‌ها را در ربع آخر قرن ۱۹ تحت کنترل خود درآورد (آیرونز، ۱۳۸۶: ۶۰). چند ماه بعد، معاهده آخال میان دو دولت روسیه و ایران به امضا رسید. اما این پیمان نتوانست مانع تجاوز قبایل ترکمن‌ها به خراسان شود. تهاجمات ترکمانان تا مدت‌ها بعد ادامه یافت، روس‌ها خود، برای نا امن کردن خراسان پنهانی این تجاوزات را تشویق می‌کردند. به همین دلیل مناطق شمالی خراسان و گرگان هم‌چنان آسیب‌پذیر بود (یارمحمدخان سهام الدوله و خاور بی بی شادلو، ۱۳۷۴ : ۶).

انگلستان و سیاستهای استعماری در آسیای میانه

علاوه بر منافع تجاری انگلستان در خراسان، حفظ امنیت مستعمره هند عامل دیگری بود که منطقه شرق ایران را به صحنه رویارویی با روسیه تبدیل کرد. روسیه در حال توسعه امپراتوری بود، اما انگلستان آن دوره را پیموده بود و برای حفظ مستعمرات، دوره محافظه‌کاری را طی می‌کرد (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۰: ۲۹۴ ـ ۲۹۳). نقش انگلیس در تهاجمات ترکمانان و تحریک آنان، در سیاست‌های دفاعی این کشور قابل ملاحظه است. آن‌ها برای حفظ مستعمرات خود و رقابت با روسیه از وجود ترکمانان بهره می‌بردند.

از آن جا که دولت انگلیس تا مدتی گرفتار شورش هند و عواقب آن بود، نتوانست در مقابل پیشرفت روس‌ها در آسیای مرکزی، که سرحدات شمالی هند را به خطر می‌انداخت، مقابله کند. بنابراین انگلستان سعی کرد با روس‌ها کنار آمده و تا حد امکان دامنه متصرفات آن‌ها را در آسیای مرکزی و ماوراءالنهر محدود کند و برای جلوگیری از تسخیر افغانستان توسط روسیه چاره ای بیندیشد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۵: ۲۷۲). از طرف دیگر انگلیسی‌ها از آغاز قرن ۱۹ م، تلاش کردند در آسیای میانه و قفقاز نفوذ نمایند تا امکان کنترل بغازهای بسفر و داردانل، شهر استانبول، دریای سیاه و دریای مدیترانه را که به آنان اجازه می‌داد سیادت انگلستان را بر خاور نزدیک و میانه مستقر نمایند، به دست آورند. روسیه هر چند ناتوان اما سعی در جلوگیری از دست‌یابی انگلستان به این اهداف داشت (عبدالله یف، ۱۳۳۶: ۷۳). انگلستان در آغاز سعی کرد از ترکمانان منطقه آخال و افغان ها و در صورت امکان از

ایرانیان و عثمانیان استفاده کرده و سد محکمی در مقابل روس‌ها ایجاد کند (استوارت، ۱۳۸۵ : یازده).

یکی از دیپلمات‌های برجسته انگلیسی، مکنزی کنسول استراباد در سال ۱۸۵۹ م، با سفر به منطقه و دیدار از پایگاه دریایی روسیه در آشوراده، به میان قبایل ترکمن رفته و ضمن گفت و گو با رهبران قبایل، از آنان مصرانه خواست تا از حملات خود به شهرهای ساحلی ایران بکاهند تا دیگر نیازی به حضور نیروهای روسی در جزیره نباشد. او که با حاکم استراباد روابط دوستانه‌ای داشت به وی توصیه کرد تا با ایجاد ناوگان دریایی در دریای خزر، ایران را از کمک‌های روس بی‌نیاز کند. اما این مذاکرات به نتیجه نرسید (ولودارسکی، ۱۳۷۲: ۵). زمانی که انگلیسی‌ها از قصد روسیه برای جنگ با خیوه با خبر شدند، دست به اقداماتی زدندکه نتایج قابل ملاحظه ای دربر نداشت. آنها در سال ۱۸۴۰م از هندوکش گذشته و دوست محمد خان را از تخت برداشته و افغانستان را متصرف شدند، تا مانع عبور روس‌ها از هندوکش شوند. از آن جا اقدام به اعزام کارگزارانی به مناطق مختلف آسیای مرکزی کردند تا خوانین محلی را به مخالفت با روسیه وادار کنند (اتاماژور، ۱۳۸۳ : ۱۴۸ ـ ۱۴۷).

در تمام قرن ۱۹ و حتی سال‌های اول قرن ۲۰ م، کشمکش‌ها و رقابت‌های روسیه و انگلیس در آسیای مرکزی تمرکز یافته بود. هر چند در آغاز، این مبارزات چندان محسوس نبود، اما از سال ۱۸۶۰ م، به بعد شدت یافت و هر یک از دو دولت در جذب هم‌پیمانانی در این سرزمین‌ها و جذب سکنان آن کوشش کردند. روس‌ها به دلیل همجواری با منطقه آسیای مرکزی توان استفاده از قوه نظامی را داشتند، اما انگلیسی‌ها که از این توان برخوردار نبودند، با وعده و وعید وارد میدان می‌شدند. به همین دلیل سیاست‌های انگلیس در مقابله با روسیه در منطقه آسیای مرکزی بیشتر با شکست مواجه می‌شد (محمود، ج ۴، ۱۳۶۷: ۱۲۱۸). دولت انگلیس گاهی به صورت غیر مستقیم نیروی نظامی و تجهیزات در اختیار برخی از خانات قرار می‌داد. از جمله با خان خیوه ارتباط دوستی برقرار کرد و فرستاده‌ای به آن جا اعزام داشت تا آن‌ها را از قصد دولت روسیه و ساختن قلعه آگاه کنند. در صورت نیاز به تجهیزات نظامی، دولت انگلستان توپ و توپخانه در اختیار آن‌ها قرار می‌داد (میرپنجه، ۱۳۷۰: ۱۲۴ ـ ۱۲۳).

بسیاری از دولتمردان بریتانیا حاضر به رسمیت شناختن ترکمنستان و مناطق غربی خیوه به عنوان حوزه نفوذ روسیه نبودند زیرا این مناطق را از نظر تاریخی و جغرافیایی متعلق به ایران می‌دانستند. گذشته از آن الحاق ترکمنستان به روسیه که تهدیدی جدی نسبت به تمامیت ارضی ایران بود، برای انگلستان نیز خطری واقعی به شمار می‌رفت. چون با استقرار روسیه در ترکمنستان و مناطق غربی خیوه، قسمت‌های شمالی و شمال‌غربی هند انگلیس به خطر می‌افتاد. پالمرستون و جانشینانش تا سال ۱۸۶۸ نتوانستند مانع تجاوزات روسیه شوند (ولودارسکی، ۱۳۷۲: ۵۳). از آن پس انگلیسی‌ها سیاست تهاجمی را برگزیدند. راولینسون که به عنوان یکی از طرفداران فعال سیاست تهاجمی انگلیس در خاورمیانه شهرت داشت، معتقد بودکه باید هدف اصلی سیاست انگلستان، مخالفت و عدم سازش با تجاوز روسیه در آسیای مرکزی باشد. برای این هدف بریتانیا باید به عنوان یک متحد واقعی به ایران کمک می‌کرد و از حق ایران نسبت به سرزمین‌های خودش در ترکمنستان به خوبی حمایت می‌نمود (ولودارسکی، ۱۳۷۲: ۵۰ ـ ۴۹). در نامه ای که وزیر مختار انگلیس در تهران و تیلور تامسون در ۱۸۷۴ به لندن فرستادند، یاد آور شدند که باید به ایران کمک شود تا از تصرف اراضی ترکمن‌نشین از جمله مرو به دست روسها ممانعت شود. هم‌چنین باید صاحب منصبان انگلیسی با هزینه انگلیس برای تربیت و ایجاد انضباط در قشون ایران به تهران فرستاده شوند و در صورت نیاز به ایران کمک مالی کنند (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۲۵).

با وجود تلاش‌های انگلستان مبنی بر جلوگیری از پیشرفت روسیه در سرزمین‌های آسیای مرکزی، سرانجام روسیه موفق به الحاق بخش‌های بزرگی از این سرزمین به امپراتوری در حال گسترش خود شد. سرازیر شدن روس‌ها به سوی جنوب، مرزهای شمالی مستعمره انگلستان را با خطراتی جدی مواجه کرد به‌گونه‌ای که غلبه انگلستان بر افغانستان و گسترش دامنه سیطره این کشور تا جزایر داخلی خلیج فارس و شیخ نشینهای جنوب خلیج فارس در راستای همین سیاست بود.

نتیجه

قرن ۱۹ م، قرن رقابت‌های دو کشور روسیه و انگلستان بود. این دو برای به کام کشیدن کشورهای ثروتمند شرق با یکدیگر به رقابت پرداختند. روسیه در جهت فتح سرزمین‌های تازه، گسترش قلمرو و تهدید مستعمره زرخیز انگلیس یعنی هند تلاش می‌کرد و انگلستان نیز در جهت دفاع از هند و جلوگیری از پیشرفت بیشتر روسیه سیاست‌های استعماری خود را تنظیم کرده و در این میان از اقوام و قبایل متعدد بهره جستند. آن‌ها در راه انجام مقصود

خویش از هیچ توطئه‌ای فروگذار نکردند. یکی از ساده‌ترین راه‌هایی که می‌توانستند برگزینند، استفاده از نیروهای عشایری مرزنشین بود که به سادگی حاضر به تمکین به دولتهای مرکزی نبودند. از آن جا که روسیه به آسیای مرکزی، خیوه، بخارا، خوقند و خوارزم نظر داشت و چون نمی‌توانست به دلیل مشکلات لشکرکشی از راه بیابان، به هدف برسد، تنها راه را در گرفتن مناطق شمالی ایران به ویژه استراباد دانست و چون امکان گرفتن این مناطق به آسانی میسر نبود، تصمیم گرفت از ترکمانانی که در این ناحیه ساکن بودند، استفاده کند. بنابراین دو دولت استعماری از راه های مختلف سعی در جذب ترکمانان داشتند. تلاش آن‌ها با تحریک تراکمه برای حمله به مناطق شمالی کشور همراه شد. نا امنی در آسیای مرکزی و به تبع آن در خراسان بزرگ سبب شد تا روسیه بتواند آشوراده را اشغال و در آن جا استحکامات نظامی تأسیس کند. دولت ایران که ناتوان از دفع شورش ها و تاخت و تازهای هر روزه ترکمانان به مناطق شرق و شمال شرق بود به ناچار تن به مصالحه با روسیه داد و معاهده آخال که به از دست رفتن سرزمین‌هایش منجر شد، را با آن کشور منعقد نماید. انگلستان به یک تماشاگر بی‌خاصیت تبدیل شد.

منابع

آدمیت، فریدون. امیر کبیر وایران. ج ۷، تهران : انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۲.

آوری پیتر، گاوین هامبلی، چارلز ملویل. تاریخ ایران کمبریج قاجاریه. ترجمه تیمور قادری، تهران: مهتاب، ج ۷، قسمت دوم، ۱۳۸۸.

آیرونز، ویلیام جی. ترکمن های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی. ترجمه محمد امین کنعانی، تهران: افکار، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم شناسی، ۱۳۸۶.

اتا ماژور، کستنکو. شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن با نقشه ممالک آسیای مرکزی. به کوشش مؤتمن السلطان صنیع الدوله، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.

اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی وبین المللی وزارت امور خارجه. اسنادی از روابط ایران بامناطقی از آسیای مرکزی، تهران: وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ وانتشارات، ۱۳۷۲.

استوارت، چارلز ادوارد. مأموریت سری با لباس مبدل (سفرنامه کلنل استوارت به شمال خراسان در زمان حمله روسیه به خانات آسیای میانه). ترجمه علی مترجم، تصحیح علی کریمیان، تهران: علی کریمیان، ۱۳۸۵.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ج ۳، ۱۳۶۷.

بخارایی، میرزا شمس. تاریخ بخارا، خوقند و کاشغر (در شرح حکمرانی امیر میر حیدر در بخارا، محمد علی خان در خوقند و جهانگیر خواجه در کاشغر). تصحیح محمد اکبر عشی، تهران: میراث مکتوب و آیینه میراث، ۱۳۷۷.

ترنزیو، پیو کارلو. رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان. ترجمه عباس آذرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.

ریوکین، مایکل. حکومت مسکو و مسئله مسلمانان آسیای مرکزی شوروی. ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

زرگری نژاد، غلامحسین. روزشمار تحولات ایران در عصر قاجاریه. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.

سارای، محمت. ترکمن ها در عصر امپریالیسم: پژوهشی درباره مردم ترکمن و انضمام کشورشان به امپراتوری روسیه. ترجمه قدیر ویردی رجائی، تهران: انتشارت مترجم قدیرویردی رجائی، ۱۳۷۸.

سارلی، اراز محمد. تاریخ ترکمنستان. ج۱، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.

سهام الدوله، یار محمد خان و خاور بی بی شادلو. سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی. به کوشش قدرت الله روشنی زعفرانلو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۷۴.

سیمونیچ، ایوان او سیپویچ. خاطرات وزیر مختار از عهدنامه ترکمن چای تا جنگ هرات. ترجمه یحیی آرین پور، تهران: پیام، ۱۳۵۳.

شیخ عطار، علیرضا. ریشه های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز. تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، چ ۲، ۱۳۷۳.

صفایی، ابراهیم. اسناد سیاسی دوران قاجاریه. تهران: بابک، ۱۳۵۵.

صفایی، ابراهیم. یکصد سند تاریخی. تهران: بابک، چ ۲، بی تا.

صفایی، ابراهیم. پنجاه نامه تاریخی. تهران: بی نا، ۱۳۵۰.
طاهری، ابوالقاسم. تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس. تهران: انجمن آثار ملی، ج ۲، ۱۳۵۶.
عبدالله یف، فتح الله. گوشه ای از تاریخ ایران. ترجمه غلامحسین متین، تهران: ستاره، ۱۳۳۶.
کاظم زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴ ـ ۱۸۶۴ : پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۴.
کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱، چ ۵، ۱۳۸۰.
کرزن، جرج ناتانیل. ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، چ ۶ ۱۳۸۷.
کمبل، جان نیکل رابرت. دو سال آخر: یادداشت های روزانه سر جان کمبل. به کوشش ابراهیم تیموری، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
کولائی (طبرستانی)، الهه. سیاست و حکوت در آسیای مرکزی. تهران: سمت، ۱۳۷۶.
مالکوم، سر جان. نامه های سیاسی سفیر بریتانیا یا پایه سیاست انگلستان در ایران. ترجمه احمد توکلی، بی جا : بی نا، ۱۳۲۷.
مجتهد زاده، پیروز. بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان. ترجمه عباس احمدی، تهران: معین، ۱۳۸۶.
محمود، محمود. تاریخ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹، ج۴، تهران: اقبال،۱۳۶۷.
معطوفی، اسدالله. استراباد و گرگان در بستر تاریخ ایران. مشهد: درخشش، ۱۳۷۴.
ملگونف، گریگوری والریانوچ. سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر. تصحیح و ترجمه مسعود گلزاری، بی جا: انتشارت دادجو، ۱۳۶۴.
میر پنجه، اسماعیل. خاطرات اسارت روزنامه سفر خوارزم و خیوه. به کوشش صفاءالدین تبرائیان، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
میر نیا، لی. وقایع خاور ایران در دوره قاجار. مشهد: پارسا، ۱۳۶۷.
هاپکرک، پیتر. بازی بزرگ: عملیات سازمان های جاسوسی روس و انگلیس در آسیای مرکزی و ایران. ترجمه رضا کامشاد، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۹.
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. تاریخ روابط خارجی ایران، چ ۲، تهران: انتشارات کتابهای سیمرغ وابسته به انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵.
وقایع نگار، میرزا محمد صادق. آهنگ سروش تاریخ جنگ های ایران و روس. تصحیح امیر هوشنگ آذر، تهران: بی نا، ۱۳۶۹.

مقالات

تکمیل همایون، ناصر. « قاجاری های مرو و ترکمانان ». یغما، گردآوری ایرج افشار، ش ۳۲، تهران: ایران، ۱۳۷۱.
مرادی، مسعود؛ شبانی ثانی، زهرا. "اسارت زوار ایرانی توسط ترکمانان و واکنش حکومت قاجار (سده ۱۹)"، پژوهشنامه علمی — پژوهشی خراسان بزرگ، دوره چهارم، شماره ۱۳، ۱۳۹۲.
ولودارسکی، میخائیل. « ایران و قدرت های بزرگ ۱۸۶۹ ـ ۱۸۵۶ ». ترجمه شهین احمدی، تاریخ معاصر ایران، کتتاب پنجم، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲.

A study About the Role of Russia and Britain in the Turkmans' Raids on Iran (19th century)

Masood moradi[1]
Zahra Shabani Sani[2]

Abstract

During the Qajar period, the Turkman's tribe were attacked interior territories of Iran and tiffs the properties of habitants of eastern Khazar and Khorasan. In the most of these raids they captured the women and children as slave to selling in the slave market in Bokhara, Khiwah and Marv. One of the most important element of this situation was the rivalry of Russia and Britain in this region. they searched their colonial benefit in the instability of the region. Russia flew their aggressive colonial interest toward south and Britain flew his stable defense upon his colony in India. Both take position toward the Turkman raiders. In these rivalries the Russia won the central Asia and Britain loos its hegemony upon this region. This research will examine the condition which produced this situation with emphasize upon the original sources and will introduce the historical research method.

Key words: Central Asia, Russia, Britain, Iran, Turkman

1. Associated Professor, University of Sistan and Baluchestan Dr_mmoradi@yahoo.com
2. Master of Art, University of Sistan and Baluchestan